



روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا و بحران فلسطین: بازتعریف وظایف رسانه‌های مستقل در قبال فلسطین و اشغالگری اسرائیل

هاتف پوررشیدی^۱

چکیده

روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا به عنوان یکی از سبک‌های روزنامه‌نگاری مهم و مطلوب برای جلب آرای افکار عمومی و بیان مظلومیت افراد تحت ستم، در دهه‌های اخیر مورد توجه جدی روزنامه‌نگاران، به ویژه در منازعات و درگیری‌ها قرار گرفته است. روزنامه‌نگار مدافعه‌گرا خود را در جایگاه افراد تحت ستم قرار داده و احساسات این افراد را به جهانیان مخابره می‌کند. تجربه جنگ‌های ویتنام، عراق و بهار عربی نشان داده است که این سبک روزنامه‌نگاری می‌تواند تغییرات عمده‌ای را در روند و پایان نبردهای ظالمانه اعمال نماید. در موضوع فلسطین نیز این سبک روزنامه‌نگاری می‌تواند تغییری اساسی در رویکردهای جامعه جهانی به این مسأله ایجاد کند. این مقاله که به روش تحلیل و توصیفی و با رویکرد بررسی اسنادی نگارش یافته، درصدد پاسخ به این پرسش است که روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا در عصر رسانه‌های نوین، چگونه می‌تواند در روشنگری ابعاد اشغالگری رژیم اسرائیل ایفای نقش کند. فرضیه این پژوهش نیز بر این مسأله استوار است که روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا می‌تواند با بهره‌گیری از رسانه‌های نوین و مستقل، نقشی اساسی در انعکاس واقعی مسائل فلسطین و مقابله با رسانه‌های غربی حامی صهیونیسم که به دنبال انحراف افکار عمومی جهانی هستند، ایفا نماید. شرایط امروز جهانی و توسعه فناوری‌های نوین، توفیق و مونولوگ غرب در مواجهه با موضوع فلسطین را تغییر داده است و روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا با استفاده از توان رسانه‌های جدید و مستقل تلاش دارد با ایجاد گفتمان جدیدی در خصوص فلسطین، نماینده مردم این خطه باشد و موجی از همراهی و اقدامات اساسی در قبال اشغال فلسطین ایجاد کند.

واژگان کلیدی: روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا، فلسطین، رسانه‌های جدید، رسانه‌های مستقل، اسرائیل

DOI: 10.27834/CSIW.2407.1413.4.35.4

گروه ارتباطات، دانشگاه ادیان و مذاهب. h.pourrashedi@gmail.com

استناد: پوررشیدی، هاتف. (۱۴۰۳). روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا و بحران فلسطین: بازتعریف وظایف رسانه‌های مستقل در قبال فلسطین و اشغالگری اسرائیل. بحران پژوهی جهان اسلام، ۱۱(۴)، ۷۴-۹۳.



این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

اشغالگری رژیم صهیونیستی در حدود هشت دهه پیش، در شرایطی روی داد که جهان درگیر اخبار و تبلیغات رسانه‌های محدود موجود در خصوص جنگ جهانی دوم بود و همواره این مسأله مورد تأکید قرار می‌گرفت که یهودیان مورد ظلم و ستم واقع شده و نتوانسته‌اند آن‌چنان که باید جایگاه خود را در جهان بیابند. اگرچه بیانیه بالفور نشان از حرکتی هدفمند از سوی قدرت‌های استعماری و به‌ویژه بریتانیا برای ایجاد رویکردی جدید از توسعه‌طلبی و ایجاد نفاق در میان مسلمانان و به‌ویژه منطقه خاورمیانه بود، اما تبلیغات گسترده از سوی رسانه‌هایی نظیر بی‌بی‌سی در خلال دهه چهل قرن ۲۰ میلادی، توانست افکار عمومی دنیا را با ایجاد رژیم صهیونیستی همراه کند. اقدامات بی‌بی‌سی سبب شد که نوعی همراهی در میان افکار عمومی جهان و به‌ویژه اروپا با ایجاد اسرائیل شکل گیرد. «در طول دوره تولد اسرائیل، از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۷، عقیده بسیاری بر این است که احساسات اروپایی نسبتاً طرفدار اسرائیل بود. پس از جنگ جهانی دوم، بسیاری از افراد درگیر در جنگ به نحو موجهی نسبت به وضعیت اسفبار مردم یهود و اسرائیل همدردی کردند» (McTigue, 2011: 21). در کنار این مسأله مشکلی دیگر گریبان فلسطینیان را گرفت که همان عدم توجه رسانه‌ای و خبری به آنان بود. در این راستا، روایت فلسطینی‌ها و بسیاری از اتفاقاتی که برای مردم فلسطین می‌افتاد، برای کسانی که خارج از منطقه بودند، مورد توجه قرار نگرفت. ضعف سیستم رسانه‌ای کشورهای اسلامی در کنار بحران‌های ناشی از شکل‌گیری خاورمیانه‌ای جدید بعد از جنگ جهانی اول و عدم شکل‌گیری کشورهای قدرتمند، زمینه را برای بسط و نفوذ اسرائیل و تحقق نیات آنان برای ایجاد سرزمینی برای یهودیان با شعار، «سرزمین بدون ملت برای ملتی بدون سرزمین» (Varaei & Varaei, 2019:250) فراهم آورد.

توسعه رسانه‌ها در سال‌های پس از تشکیل دولت غاصب اسرائیل نیز بیشتر در راستای بهره‌برداری روانی و نرم به نفع این رژیم، استفاده شد و افکار عمومی جهان حداقل تا دهه ۸۰ میلادی در انحرافی عمیق نسبت به مسأله فلسطین و اشغالگری اسرائیل مواجه بودند. رویکرد رسانه‌های مطرح جهان در خصوص اوضاع فلسطین بیشتر متکی بر تحلیل‌هایی بود که در جهت تضعیف فلسطین و دفاع از عملکرد اسرائیل در تمامی سطوح بوده است.

امروزه توسعه رسانه‌ها در کنار ظهور سبک‌های جدیدی در عرصه روزنامه‌نگاری تحت عنوان روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا، توان رسانه‌ها برای مقابله با تضییق حقوق فلسطینیان و تبدیل شدن صدای آنان به عنوان صدای مظلومان جهان را افزایش داده و عملاً تحقق اهداف مبارزه مردم فلسطین را به واقعیت نزدیک‌تر کرده است. روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا در تلاش است «تا حقیقت را درباره رویداد یا موقعیتی که در آن قرار گرفته است، مخابره کند»؛ از این رو روزنامه‌نگار مدافعه‌گرا در عین حال که واقعیت‌ها را گزارش می‌کند، به بیان نظرات خود درباره موضوعات خاص نیز می‌پردازد. روزنامه‌نگار مدافعه‌گرا تلاش دارد «عقاید دیگران را در معرض دید عموم» قرار داده و تنها به انعکاس عقاید و نظرات رهبران سیاسی و سخنگویان با علائق خاص نپردازد (Goodarzi, 2019:62). استفاده از تحلیل‌ها و تفاسیر افرادی که در جریان رویدادها قرار گرفته و از آن متأثر شده‌اند، این امکان را فراهم می‌کند که بتوان چشم‌اندازی بی‌طرفانه و منطقی از اوضاع ارائه داد. این مقوله در واقع نیاز اصلی امروز اطلاع‌رسانی در موضوع فلسطین است که باید فارغ از دیدگاه‌های دولتمردان و سیاسیون، اوضاع آن‌گونه که هست تفسیر و ارزیابی شود. ضمن این که لازم است، شرایط سخت و بحرانی مردم فلسطین در رسانه‌ها منعکس شده و روایان اخبار خود را در جایگاه مردم تحت ستم فلسطین ببینند. به‌ویژه که در بیش از یک سال اخیر مردم فلسطین و غزه پس از طوفان الاقصی با کشتار و نسل‌کشی گسترده مواجه هستند.

این مقاله که به روش توصیفی-تحلیلی و با اسنادی و با هدف بازتعریف نقش رسانه‌های مستقل در تبیین ابعاد گسترده اشغالگری رژیم صهیونیستی نگاشته شده است، درصدد است به این سؤال پاسخ دهد که «اساساً روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا در عصر رسانه‌های نوین، چگونه می‌تواند در روشننگری ابعاد اشغالگری رژیم اسرائیل ایفای نقش کند». فرضیه این پژوهش نیز بر این مسأله استوار است که روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا می‌تواند با بهره‌گیری از رسانه‌های نوین و مستقل، نقشی اساسی در انعکاس واقعی مسائل فلسطین و مقابله با رسانه‌های غربی حامی صهیونیسم که به دنبال انحراف افکار عمومی جهانی هستند، ایفا نماید.

۱- پیشینه تحقیق

موضوع تضييع حقوق فلسطينيان در عرصه اطلاع‌رسانی، امری است که مورد اقبال و توجه محققان قرار گرفته است. در این زمینه میتوان به تحقیق Horoub (2023)، تحت عنوان «درک توانمندسازی رسانه‌ها: روزنامه‌نگاری شهروندی در فلسطین»، اشاره کرد که به مطالعه ماهیت روزنامه‌نگاری شهروندی در فلسطین با هدف اصلی شناسایی نقش آن در ترویج حرفه‌ای بودن، اخلاق و عینیت و توانمندسازی رسانه‌های دیجیتال در دسترسی به اطلاعات و دموکراتیک کردن تولید رسانه، می‌پردازد. بر اساس نتایج حاصل از این تحقیق، رسانه‌های رسمی می‌توانند از روزنامه‌نگاری شهروندی با ارائه منابع اطلاعاتی دقیق و معتبر برای افزایش تعامل بین مخاطبان خود، با تأکید بر جنبه استقلال‌بهره ببرند که گامی در راستای روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا قابل ارزیابی است. در تحقیق Alakklouk & Gülnar (2023)، تحت عنوان «تأثیر روزنامه‌نگاری شهروندی در پوشش خبری حملات اسرائیل به غزه»، نیز ضمن تأکید بر استفاده از توان تحلیل‌ها و روایت‌های عینی در انتقال اخبار و اطلاعات از غزه از طریق شهروند خبرنگاران برای تحقق روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا، مقابله با سلطه خبری غرب و اسرائیل بر رسانه‌های جهانی و ایجاد ذهنیتی دقیق نسبت به وقایع غزه در اذهان افکار عمومی جهان مورد تأکید قرار گرفته است.

در تحقیق Sarwar et al (2023) با عنوان «بازنمایی مسئله اسرائیل و فلسطین در رسانه‌های بین‌المللی: تحلیلی از پوشش بی‌بی‌سی و الجزیره در سال ۲۰۲۲»، آمده است که پوشش خبری وقایع این منطقه در طی هفت دهه گذشته تنها در راستای نشان دادن تأثیرپذیری زندگی مردم اسرائیل از سوی تروریست‌های فلسطینی است و عملاً هیچ اشاره‌ای به مصائب و مشکلات مردم فلسطین نمی‌شود. این رویکرد نشانگر عدم توجه به روح روزنامه‌نگاری عینی و مدافعه‌گراست که در تلاش است با استفاده از ابزارهای نوین و رسانه‌ای، آنچه که به عنوان واقعیت مطرح می‌باشد را به جهان عرضه کند.

در تحقیق دیگری با عنوان «دورنمای فعالیت دیجیتال مقاومت فلسطین از طریق رسانه‌های اجتماعی» که توسط Monshipouri & Prompichai (2018) صورت پذیرفته است، عرصه رسانه‌های نوین عاملی برای موفقیت مقاومت فلسطین ارزیابی شده که می‌توان با بهره‌گیری از آن

اخبار و اطلاعات مبتنی بر واقعیت را به جهان مخابره کرد و در راستای افزایش همبستگی درونی بهره برد. اگرچه این ابزار می‌تواند به‌عنوان ابزاری مخرب در درون جامعه فلسطین نیز مطرح شود. وجه تمایز این تحقیق با تحقیقات پیشین در توجه به موضوع روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا در پرداختن به موضوع فلسطین و انعکاس مسائل موجود و تعریف درست از وظایف رسانه‌های مستقل است. عدم توجه به سبک روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا در قبال موضوع فلسطین، در مقالات گذشته نمود اساسی دارد و تحقیق حاضر به شیوه‌ای علمی و نوآورانه در تلاش است با پرکردن خلأ موجود در این حوزه، لزوم توجه روزنامه‌نگاران به این سبک روزنامه‌نگاری را برای آگاهی افکار عمومی از مشکلات و آلام مردم فلسطین مطرح و تعریفی جدید از وظایف رسانه‌های مستقل در قبال فلسطین را ارائه نماید.

۲- چارچوب نظری

۲-۱- نظریه کارکردی رسانه‌ها

آنچه که از سوی لاسول در خصوص کارکرد و وظایف رسانه‌ها مطرح شده است در سه حوزه اطلاع‌رسانی، ایجاد همبستگی و آموزش قابل توصیف است (Sapienza et al., 2015: 604)؛ اما رسانه‌ها فراتر از این کارکردها باید تلاش کنند جهان واقع را آن‌گونه که هست توصیف نمایند. به اعتقاد مک کوائل (۲۰۲۰) یک پیش‌فرض اصلی که به پرسش‌های جامعه و فرهنگ مربوط می‌شود، این است که نهاد رسانه اساساً به تولید و توزیع دانش به معنای وسیع کلمه می‌پردازد. چنین دانشی ما را قادر می‌سازد تا تجربه خود از دنیای اجتماعی را درک کنیم، حتی اگر «معناگیری» به روش‌های نسبتاً مستقل و متنوعی اتفاق بیفتد (McQuail & Deuze, 2020: 82). از این رو باید تأکید کرد که وظیفه رسانه‌ها چیزی جز انعکاس واقعیت‌ها نیست. در این میان باید تأکید کرد که «رسانه‌ها می‌توانند بر پیامد رویدادهای کاملاً متفاوت و به روش‌های مختلف تأثیر بگذارند» (McQuail, 2010: 424). بررسی سوابق تأثیرات رسانه‌ها حکایت از قدرت آنان بر متأثر کردن جامعه از اطلاعات و اخبار منتشرشده دارد. مباحثی نظیر «اثر سی‌ان‌ان»^۱ نشان‌دهنده تأثیر گسترده رسانه‌ها در شکل‌دهی افکار عمومی و تعریف اولویت‌های فکری جامعه است.

^۱CNN Effect

۲-۲- روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا

روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا به‌عنوان مفهومی که قدمتی حدود یک قرن در عرصه روزنامه‌نگاری دارد، بسیار مورد توجه اصحاب رسانه و روزنامه‌نگارانی قرار گرفته که به‌دنبال همدردی با افراد و جوامعی هستند که تحت ستم واقع شده و زبان گویایی برای بیان آلام خود ندارند. در تعریف این نوع روزنامه‌نگاری آمده است: در روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا، «علنا روزنامه‌نگار از طرف دیگری صحبت می‌کند یا از طرف او التماس می‌کند و به دیگری چهره و صدا می‌دهد» (Careless, 2000). بر این اساس، روزنامه‌نگار خود را در مقام و جایگاه سوژه خبر جای می‌دهد و تمام عواطف و احساسات خود را در اختیار او قرار می‌دهد تا نشان دهد که سوژه خبر چه درد و رنجی را متحمل شده است. از این رو می‌توان ادعا کرد که روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا «می‌تواند به‌عنوان یک تکان بالقوه برای مخاطب عمل کند. آن‌ها را از منطقه آسایش خود بیرون آورد و آنان را برای نوعی اقدام برای تغییر تحریک کند» (Charles, 2013: 387). به عبارت دیگر این نوع روزنامه‌نگاری فقط برای ارائه اطلاعات و دیدگاه‌های متوازن نیست، بلکه گزارش یک داستان به شیوه‌هایی است که داستان به کاتالیزوری برای تغییر تبدیل شود (Shaw, 2012:38) از این رو این سبک روزنامه‌نگاری در زمره روزنامه‌نگاری متعهد دسته‌بندی شده است. در جریان جنگ ویتنام، جنگ عراق، بهار عربی و حتی تحولات اخیر فلسطین تحت عنوان طوفان الاقصی و مخالفت‌های گسترده با سیاست‌مداران در زمینه حمایت از اسرائیل، این نوع روزنامه‌نگاری نقش خود را به صورت مطلوب ایفا کرده است. لذا می‌توان گفت که روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا شکلی از «بسیج سیاسی است که به‌دنبال افزایش قدرت مردم و گروه‌ها و پاسخگویی بیشتر نهادها به نیازهای انسانی است» (Wahl-Jorgensen & Hanitzsch, 2009:11). روزنامه‌نگار مدافعه‌گرا ضمن این که در تلاش است با جریان حاکم خبری در رسانه‌های مسلط جهانی و منطقه‌ای مقابله کند و «تبدیل به صدای افرادی می‌شود که نمایندگی کمتری در رسانه‌های اصلی دارند» (Alvares et al., 2021). از این رو، برخی از دست‌اندرکاران رسانه خود را به محافظان منافع مردم برای جبران نابرابری‌های قدرت در جامعه، تبدیل می‌کنند (Williams Fayne, 2021).

۳- جایگاه مغفول روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا در رسانه‌های غربی

صدور اعلامیه بالفور در سال ۱۹۱۷ تنها توسط معدود رسانه‌های غربی مورد پوشش و اعلام قرار گرفت. بر اساس اسناد موجود، اعلامیه بالفور در واقع نامه‌ای از سوی لرد آرتور جیمز بالفور، وزیر خارجه وقت بریتانیا خطاب به لرد والتر روجلد، عضو یهودی صهیونیست مجلس عوام بریتانیا است که در تاریخ دوم نوامبر ۱۹۱۷، یعنی پیش از سقوط امپراطوری عثمانی، نگاشته شده است. در این نامه بالفور تأکید کرده است: «بسیار خوشحالم که به اطلاع شما برسانم که از طرف دولت اعلیحضرت، اعلامیه زیر در مورد همدردی با آرمان‌های صهیونیستی یهودی که به هیئت وزیران تسلیم و تصویب شده است؛ دولت اعلیحضرت نسبت به ایجاد یک خانه ملی برای مردم یهود در فلسطین نظر مثبت دارد و خواهد داشت. تمام تلاش خود را برای تسهیل دستیابی به این هدف به کار می‌گیرند، به وضوح درک می‌شود که هیچ کاری نباید انجام شود که به حقوق مدنی و مذهبی جوامع غیریهودی موجود در فلسطین یا حقوق و موقعیت سیاسی یهودیان در هر کشور دیگری لطمه وارد کند. اگر این اعلامیه را به اطلاع فدراسیون صهیونیستی برسانید، ممنون می‌شوم» (Peretz, 1996: 238). این نامه برای نخستین بار، یک هفته بعد توسط روزنامه تایمز لندن به چاپ رسید (Halsall, 1997). دلیل این امر از طرفی ناشی از ضعف رسانه‌ای در کشورهای دیگر و از سوی دیگر ناشی از سیاست‌های دولت بریتانیا بوده که بر این تصمیم استوار بوده که تنها اخبار و اطلاعات در این خصوص را از طریق نشریات و رسانه‌های انگلیسی منتشر نماید. تا سال ۱۹۴۸ که زمینه‌های اعلام دولت اسرائیل فراهم شد، حمایت‌ها و پشتیبانی‌های گسترده از سوی انگلستان برای تحقق این امر صورت پذیرفت. بر اساس اسناد موجود اطلاعات منتشر شده در این دوران بسیار محدود و در حد اطلاع رسانی در سطح بریتانیا بوده است.

پس از اعلام تشکیل دولت فلسطین در سال ۱۹۴۸، رسانه‌های غربی آغاز به حمایت از اسرائیل و زمینه‌سازی در میان افکار عمومی کردند. می‌توان ادعا کرد که بی‌بی‌سی در این میان بیشتر از همه ایفای نقش کرده است. اما این به معنای عدم وجود قدرت در میان رسانه‌های مستقل نبوده است. کما این که با تحریکات این رسانه‌ها بود که زمینه مقابله اعراب با اسرائیل در سال ۱۹۴۸ فراهم آمد. «در آوریل ۱۹۴۸ رهبران عرب تحت فشار افکار عمومی که از اخبار فلسطین برانگیخته شده بود و

شایعات وحشیانه که توسط آوارگان فلسطینی منتشر می‌شد، با اکراه تصمیم گرفتند به اسرائیل حمله کنند» (Gelber, 2006: 11).

در هر حال فضای ایجاد شده توسط رسانه‌های غربی نوعی بی‌تفاوتی شدید را در میان افکار عمومی پدید آورده بود. در کنار این مسأله رویکرد و نگرش دولت‌های عربی دست‌نشانده که عمدتاً با حمایت انگلستان و آمریکا در قدرت بودند، نتوانست آن‌چنان که باید بحران را به سمت حل و فصل پیش برد و پایان اشغالگری را به ارمغان آورد.

اگر چه اقدامات متعددی از سوی رسانه‌های عربی در آن برهه تاریخ صورت گرفت، اما هیچ کدام نتوانست منشأ اثر واقع شود و حداقل دولت‌های عربی را برای اقدامات گسترده تر فرا بخواند. در دوره‌های مختلف پس از آغاز اشغال توسط اسرائیل نیز رسانه‌های مختلف غربی با طرح مباحثی دائر به تروریست بودن مردم فلسطین، در تلاش بوده‌اند هرگونه اقدام در راستای ایفای حقوق فلسطینیان را با چالش‌های جدی مواجه کنند. در این شرایط رسانه‌های قدرتمند غربی که عمدتاً توسط صهیونیسم جهانی و سرمایه‌داران یهودی اداره می‌شوند، فضا را به سمت انفعال کشورهای عربی و بیشتر تحت فشار قرار دادن فلسطینیان پیش بردند.

این ادعا نه تنها از سوی جریان‌های حامی فلسطین بلکه از سوی اساتید دانشگاه‌های ایالات متحده نیز مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. در این راستا، دکتر ثمر سعید، استاد دانشگاه جرج تاون اقدامات رسانه‌ای غرب در خصوص تحولات مربوط به طوفان الاقصی معتقد است: «واکنش رسانه‌های غربی در کوتاه‌ترین زمان به این رخداد [طوفان الاقصی] این بود که به‌طور هم‌زمان رهبران، افراد مشهور، ورزشکاران و نهادهای غربی به دفاع از اسرائیل شتافتند و آنچه را که به‌عنوان تروریسم فلسطینی علیه غیرنظامیان اسرائیلی معرفی کردند، به وحشتناک‌ترین عبارات محکوم کردند؛ آن هم در حالی که چنین واکنش‌هایی با وجود خشونت و کشتار بیش از ۷۵ ساله اسرائیل علیه فلسطینی‌ها، هرگز شامل حال فلسطینیان نشده است» (IRNA, 2023). این مورد تنها نمونه‌ای از اقدامات غرب در حمایت رسانه‌ای از اقدامات اسرائیل در قبال جنایت متعددی است که صورت گرفته است. بر این اساس می‌توان ادعا کرد که رسانه‌های وابسته به صهیونیسم نه تنها اسرائیل را از هرگونه مسئولیتی مبرا می‌کنند، بلکه آن را قربانی نیز معرفی می‌کنند. آن‌ها هرگز به این موضوع اشاره نمی‌کنند که فلسطینی‌ها با ارتشی که در بین ۲۰ ارتش قدرتمند جهان به‌شمار می‌رود، در برابر

قدرت هسته‌ای استعماری مقاومت می‌کنند. این ادعا در تحقیقات متعددی بیان شده است که از جمله آن‌ها تحقیق Sarwar et al (2023) تحت عنوان «بازنمایی مسئله اسرائیل و فلسطین در رسانه‌های بین‌المللی: تحلیلی از پوشش بی‌بی‌سی و الجزیره در سال ۲۰۲۲»، است که تأکید دارد نتایج حاصل «این جنگ به‌طور گسترده توسط مطبوعات غیرمسلمان پوشش داده شد و بی‌بی‌سی در تلاش است زمینه را برای صلح توسط ارتش اسرائیل ارائه نماید. در حالی که این درگیری و شرایط به وجود آمده نیازمند گزارش‌های بی‌طرفانه‌تر و متوازن‌تر از مناقشه اسرائیل و فلسطین در رسانه‌های جهانی است». تحقیقات دیگر نیز بر این نکته اذعان دارند که پوشش خبری این وقایع در طی هفت دهه گذشته به صورت غیرواقعی در راستای نشان‌دادن تأثیرپذیری زندگی مردم اسرائیل از سوی تروریست‌های فلسطینی است.

در همین راستا، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب نیز در کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین در سال ۱۳۹۰، با اشاره به رویکرد جانبدارانه رسانه‌های غربی نسبت به موضوع فلسطین، تأکید کردند که «بیش از شش دهه از فاجعه غضب فلسطین می‌گذرد. عوامل اصلی این فاجعه خونین، همه شناخته‌شده‌اند و دولت استعمارگر انگلیس در رأس آن‌هاست که سیاست و سلاح و نیروی نظامی و امنیتی و اقتصادی و فرهنگی آن و سپس دیگر دولت‌های مستکبر غربی و شرقی، در خدمت این ظلم بزرگ به کار افتاد. ملت بی‌پناه فلسطین در زیر چنگال بیرحم اشغالگران، قتل‌عام و از خانه و کاشانه خود رانده شد. تا امروز هنوز یک‌صدم فاجعه انسانی و مدنی‌ای که به دست مدعیان تمدن و اخلاق، در آن روزگار اتفاق افتاد، به تصویر کشیده نشده و بهره‌ای از هنرهای رسانه‌ای و تصویری نیافته است. اربابان عمده هنرهای تصویری و سینما و تلویزیون و مافیاهای فیلمسازی غربی این را نخواسته و اجازه‌ی آن را نداده‌اند. یک ملت در سکوت، قتل‌عام و آواره و بی‌خانمان شد» (Khamenei, 2011). این رویکرد به عنوان رویکرد مستمر رسانه‌های غربی در طول هفت دهه اشغال به خوبی دیده شده و تلاش بر این بوده است که زخم‌ها و صدمات وارد شده به ملت فلسطین، در افکار عمومی جهان منعکس نشود. بدون تردید، در موضوع فلسطین آنچه که روزنامه‌نگاری غربی به دنبال آن بوده بیشتر بر حمایت از اسرائیل و توجیه ظلم صورت گرفته به مردم فلسطین بوده است. این مسأله به معنای عدم وجود جایگاهی برای روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا در میان رسانه‌های غربی، در خصوص مردم فلسطین است.

۴- دفاع از اسرائیل در رسانه‌های غربی

در سال‌های پس از اشغال، رویکرد اتخاذ شده از سوی رسانه‌های غربی بیشتر ناظر بر معرفی گروه‌های فلسطینی به‌عنوان گروه‌های تروریستی و نشان دادن جنایت صهیونیست‌ها به‌عنوان دفاع از خود بوده است. ایجاد تشکیک در جنایات اسرائیل و اعلام مواضع خصمانه نسبت به فلسطینیان و سکوت در قبال جنایات این رژیم، نمونه اقدامات رسانه‌های غربی در موضوع فلسطین بوده است. در این بین ایراد اتهام به گروه‌های فلسطینی که در واقع در حال مبارزه با اشغالگرانی بوده‌اند که خاک و مال و جانشان را آماج حملات قرار داده‌اند، به‌عنوان اقدامی تروریستی و بنیادگرایانه توصیف شده است. بر اساس مطالعات صورت گرفته از سوی محققان غربی، رویکرد اتخاذ شده از سوی رسانه‌های غربی به‌ویژه در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، با ابهام و با تلاش در راستای گمراه کردن افکار عمومی بوده است. «بیشتر مطالعات، از اوایل دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۸۰، نشان می‌دهد که پوشش رسانه‌های غربی از مناقشه با عدم دقت کیفی و طرفداری نامتناسب نسبت به اسرائیلی‌ها یا فلسطینی‌ها بوده است (Ozohu-Suleiman, 2014: 86). البته نوع طرفداری از اسرائیل و فلسطینیان کاملاً متفاوت بوده است. به‌گونه‌ای که مطالعات اخیر نیز به‌طور مشابه نشان می‌دهد که «رسانه‌ها پوشش مخربی تولید می‌کنند که درک عمومی از درگیری را گمراه می‌کند» (Wolfsfeld et al., 2008). این نوع رویکرد نسبت به اسرائیل توأم با نوعی اظهار همدردی و نهایتاً تقویت جایگاه و پایگاه صهیونیسم در منطقه بوده است. به این معنا که تمامی تلاش رسانه‌های غربی در چارچوب جریان رسانه‌ای حاکم بر جهان، ناظر بر متهم کردن فلسطینیان و تبرئه اسرائیل از هرگونه جنایتی بوده است. مطالعات موجود در مورد پوشش خبری بین‌المللی مناقشه اسرائیل و فلسطین عمدتاً بر رسانه‌های غربی، به‌ویژه ایالات متحده متمرکز است. Kressel (1987) بیش از ۴۰ مطالعه از این دست را از اوایل دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۸۰ بررسی و مشخص کرد است که پوشش خبری رسانه‌های غربی نشان از عدم دقت و طرفداری نامتناسب نسبت به اسرائیلی‌هاست. بر اساس این یافته‌ها، رسانه‌های غربی، به‌طور مداوم پوشش نامتعادل را از درگیری‌ها ارائه کرده‌اند ضمن اینکه مکرراً به تصاویر نادرست استناد شده است. تأکید بر این که صهیونیسم یک فلسفه لیبرال و اسرائیل در خاورمیانه مستضعف است و فلسطینی‌ها تروریست هستند، در کنار اشاره به این که اسرائیلی‌ها در سال ۱۹۴۸ اعراب فلسطینی را مجبور به ترک خانه‌های خود نکردند، بلکه از آن‌ها

خواستند بمانند و اساساً درگیری اعراب و اسرائیل از یهودیت ستیزی عرب سرچشمه می‌گیرد، نوع نگاه رسانه‌های غربی به موضوع فلسطین را نمایان می‌کند. بر اساس این مطالعه، رسانه‌های غربی، ارائه پوشش بیش از حد از اسرائیل و بسیار کم از اعراب و استفاده از استانداردهای دوگانه همانند «تروریستی» خواندن حملات فلسطینیان علیه اسرائیلی‌ها و «تلافی جویانه» نامیدن بمباران‌های اسرائیل در روستاهای عربی را، در رفتارهای خود نسبت به فلسطینیان و اعراب داشته‌اند. اگرچه این اقدامات از سوی طرفداران صهیونیسم نیز کافی تشخیص داده نشده و رسانه‌های غربی متهم به طرفداری از فلسطینیان شده‌اند.

این مسأله نه تنها در خصوص رسانه‌های آمریکائی، بلکه در مورد سایر رسانه‌های غربی نظیر رسانه‌های انگلیسی نیز صادق است. مطالعه‌ای در مورد بیطرفی پوشش خبری بی‌بی‌سی در مورد مناقشه اسرائیل و فلسطین به‌طور مشابه نشان داده است که این شبکه پوشش «ناقص» و «گمراه کننده» تولید می‌کند که به ندرت مصائب فلسطینی‌های تحت اشغال را نشان می‌دهد و به‌طور مداوم فلسطینی‌ها را متعهد به تخریب اسرائیل نشان می‌دهد (Ozohu-suleiman & Ishak, 2012: 48).

در خصوص سی‌ان‌ان نیز وضعیت مشابهی حاکم بوده است؛ در مطالعات Raz (2008)، آمده است که «سی‌ان‌ان در گزارش درگیری اسرائیل و فلسطین به شدت مجری و پیشتیبان کننده سیاست‌های ایالات متحده بوده است که بر این اساس اگرچه اخبار آن به شدت مبتنی بر واقعیت و بی‌طرفی بود، اما تمرکز اصلی بر اسرائیل و سوگیری پنهان آمریکا بود؛ بدین معنی که به نظر می‌رسد که این پوشش یک دستورکار آمریکایی در چارچوب بندی مناقشه خاورمیانه است» (Raz, 2008: 9). تمام این مطالعات و مطالعات متعدد دیگر حکایت از این دارد که نوع نگاه به موضوع اشغالگری اسرائیل در رسانه‌های غربی بلاوجه بوده و عمدتاً فلسطینیان نه به عنوان گروه‌های تحت ظلم، بلکه به‌عنوان گروه‌هایی معرفی شده‌اند که اقدامات تروریستی علیه یهودیان و ساکنان اسرائیل انجام می‌دهند و لذا سزاوار هرگونه خشونت و مقابله به مثل تحت عنوان حملات تلافی جویانه هستند.

۵- وظایف رسانه‌های مستقل در قبال اشغالگری اسرائیل

آنچه که در مباحث قبل در خصوص پوشش خبری تحولات فلسطین مطرح شد تنها بخشی از اقدامات رسانه‌های غربی در تحریف اخبار و ارائه چهره‌ای نادرست از تحولات فلسطین در میان

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

افکار عمومی جهان است. این اقدامات در بلند مدت می تواند موجب تخدیر و تخریب افکار عمومی و تغییر ذهنیت نسبت به عملکرد رژیم صهیونیستی باشد؛ کما این که در هفت دهه گذشته این مسأله در میان کشورهای مختلف مشاهده شده است. مقام معظم رهبری نیز با تأکید بر سواستفاده صهیونیست و اسرائیل از رسانه های جهانی و دروغ گویی نسبت به افکار عمومی در خصوص تحولات فلسطین، تأکید کرده اند: «امروز دنیا، دنیای رسانه ها و تبلیغ و تبیین است. امروز در مقابل شما امپراتوری خبری دشمنان دنیای اسلام قرار دارد که غالباً در کنترل صهیونیست هاست. امروز یک اتوبان یک طرفه خبر و تحلیل از طرف رسانه های خبری به سمت افکار عمومی دنیا- از جمله افکار عمومی کشورهای عربی و اسلامی و خود مسلمانا - جاری است. صهیونیست ها از آغاز شروع کار خود، به سمت رسانه های خبری و تبلیغی رفتند. یکی از سیاست های آن ها این بود که رسانه های تبلیغی دنیا را قبضه کنند» (Khamenei, 2001). این بیانات نشان دهنده لزوم پرداختن صحیح و بی طرفانه نسبت به موضوع فلسطین از سوی رسانه های کشورهای اسلامی است که خوشبختانه در سال های اخیر اقدامات خوبی در این راستا صورت پذیرفته است. تأسیس شبکه های مختلف تلویزیونی و ماهواره ای نظیر العالم، المیادین و پرس تی وی تا حدود زیادی توانسته است، خلأ موجود در این مسیر را جبران کند. این تحرکات رسانه ای بیشتر منویات رهبری را تحقق می بخشد که فرموده اند: «وظیفه رسانه ها این است که کاری کنند تا زمینه روانی مقاومت پیدا شود. امروز در دنیا رسانه های صهیونیستی تجاوزهای مکرر و همه روزه اسرائیل را به صورت گذرا مطرح می کنند. اگر می توانستند همین را هم مطرح نکنند، نمی کردند؛ منتها مصالح رسانه ای آن ها ایجاب می کند که مطرح کنند؛ ولی خیلی گذرا، خیلی سطحی، خیلی ناقص و گزینشی؛ اما عملیات فلسطینی ها را که دفاع از وجود و شرف و میهن و سرزمینشان است، طوری منعکس می کنند که گویا اسرائیل مظلوم است! مظلوم واقعی را که ملت فلسطین است، تروریست و جنایتکار جلوه می دهند؛ اما متجاوز سفاک جنایتکار را مظلوم نشان می دهند. امروز رسانه های دنیا این کار را می کنند؛ سیاستمدارها هم در اظهارت خود، همین حرف ها را تکرار می کنند. سیستم رسانه ای اسلام و سیستم رسانه ای عرب باید طوری رفتار کند که معنایش این نباشد که از معرکه دور است» (Khamenei, 2002). خوشبختانه هشدارهای ایشان مورد توجه واقع شده و امروز با گسترش رسانه های نوین، زمینه برای بیان و انعکاس واقعیت های فلسطین بیشتر و بهتر فراهم آمده است. جهان اسلام نیز تحرکات مثبتی

را در این راستا انجام داده که در این راستا تأسیس شبکه الجزیره قطر یکی از این اقدامات قابل ارزیابی است. بر اساس مطالعه صورت پذیرفته توسط Elmasry et al. (2013) این شبکه به‌طور مرتب تلفات فلسطینی را توصیف کرده و تصاویری از غم و اندوه فلسطینی‌ها را نشان داده است، این امر سبب شده که صدای بیشتری در اختیار منابع فلسطینی قرار گیرد.

در همین راستا لازم است در فضای امروز جهانی که رسانه‌های نوین نقش و جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند بتوان از این ظرفیت بهره گرفت و «زمینه را برای تعدد گفتمان‌ها پیرامون فلسطین و مشارکت جهانی درباره آن را افزایش داد» (Bashir, 2018: 74). این مقوله وظیفه اصلی رسانه‌های مستقل است که بتوانند بر چندین دهه توفیق و تسلط رسانه‌های اسرائیل و صهیونیست فائق آمده و زمینه را برای گسترش گفتمان مقاومت و شنیده شدن مظلومیت فلسطین و روشن شدن ابعاد مختلف اشغالگری اسرائیل فراهم آورند. در این زمینه، رسانه‌های مستقل می‌توانند در بستر ابزارهای نوین ارتباطی منعکس‌کننده واقعیت‌هایی باشند که در فلسطین و غزه روی می‌دهد و افکار عمومی را که توسط رسانه‌های غربی دچار انحراف شده‌اند، به موضوع مسائل و مشکلات مردم فلسطین معطوف نمایند.

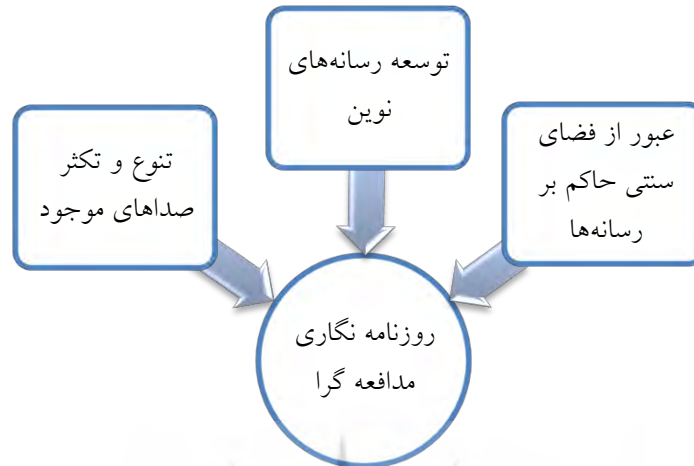
۶- توسعه روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا در عصر رسانه‌های جدید و موضوع فلسطین

ظهور رسانه‌های جدید سبب شده است، اطلاع‌رسانی در عرصه‌های مختلف با سرعت و قدرت بیشتری تحقق یابد. این مسأله در کنار عبور از فضای تحمیل شده توسط رسانه‌های سنتی، تنوع و تکثر قابل توجهی را در این عرصه فراهم کرده است. به عبارت دیگر رسانه‌های جدید توانسته‌اند عرصه اطلاع‌رسانی تعامل سهل‌تری را برای آحاد جامعه فراهم کنند و فضای انحصار و مونولوگ ایجاد شده در عرصه اطلاع‌رسانی و اخبار را بشکنند. این امر تا حدودی موجب تضعیف رسانه‌های سنتی نظیر روزنامه، رادیو و تلویزیون شده و امکان شنیده شدن روایت‌های مختلف از مباحث و تحولات را برای مخاطبان در سراسر جهان فراهم کرده است. دیگر رسانه‌های سنتی قادر نیستند به سادگی به اخبار و روایت‌های منحصر به تفکری خاص را عرضه کنند و با ایجاد انحصار در عرصه اطلاع‌رسانی، قدرت تفکر و خواست مردم را به چالش بکشند. امروز به برکت حضور رسانه‌های

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

جدید «افکار عمومی می‌توانند به هر اطلاعاتی که می‌خواهند دسترسی داشته باشند و آن را انتخاب کنند» (Omowale & Oarulu, 2021: 205). این توانایی انتخاب سبب شده است که افکار عمومی اسیر تلقین‌های ارائه شده از سوی رسانه‌ای خاص نباشند و فارغ از خواست صاحبان رسانه‌ها، سیاستمداران و دولتمردان، در معرض اخبار متفاوت و متنوع قرار گیرند و آنچه را خود می‌پسندد و مطابق با نیت خود می‌دانند، مورد استفاده و بهره‌برداری قرار دهند. رسانه‌های جدید ضمن این که توانسته‌اند فضای متنوعی برای مخاطبان در امر کسب اخبار را فراهم کنند، برای روزنامه‌نگاران نیز مزیت‌های بیشماری را فراهم کرده‌اند که باعث شده قدرت تعاملی آن‌ها را بالاتر ببرد. رسانه‌های نوین «در مقایسه با رسانه‌های کلاسیک منجر به ظهور مطالب مختلف، زیرساخت‌های تکنولوژیکی متفاوت، قالب پخش متفاوت و رابطه مصرف‌کننده و تولیدکننده متفاوت شده است» (Yilmaz et al., 2018: 5). تولیدکننده یا روزنامه‌نگاران و خبرنگاران دیگر خود را محدود به فعالیت در چارچوب رسانه‌های سنتی خاص نمی‌بینند و با در اختیار گرفتن رسانه‌های نوین آنچه را که مطلوب خود و در چارچوب اخلاق حرفه‌ای خود می‌بینند به مخاطب عرضه می‌کنند.

این فضا روند روزنامه‌نگاری مدافع‌گرا را تسهیل کرده و روزنامه‌نگاران را از چارچوب‌های سنتی حاکم بر فعالیت آنان فارغ کرده است. بنابر آنچه از تعریف روزنامه‌نگاری مدافع‌گرا برمی‌آید، روزنامه‌نگاران این سبک، به دلیل دسترسی به ابزارهای انتشار متنوع، می‌توانند اخبار و اطلاعات مبتنی بر واقعیت و به دور از فضاسازی دولتمردان و صاحبان رسانه‌ها را عرضه کرده و صدای افرادی باشند که توانی برای رساندن فریاد خود به گوش افکار عمومی را ندارند. شکل (۱) توصیف‌کننده نتایج ثمربخش شرایط جدید در عرضه روزنامه‌نگاری مدافع‌گرا در عصر حاضر می‌باشد. این مسأله به معنای آزادی بیشتر در انتخاب سبک پوشش خبری و روزنامه‌نگاری است.



شکل-۱. عوامل توسعه روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا در عصر حاضر (منبع: نگارنده)

این توان در عرصه اطلاع‌رسانی تحولات فلسطین نیز جایگاه ویژه‌ای دارد و امروز به لطف توسعه رسانه‌های جدید، این امکان فراهم شده است که مظلومیت‌های مردم فلسطین به دور از شانتاژها و فضاسازی‌های رسانه‌های وابسته به صهیونیسم، به گوش جهانیان برسد. امری که موجب رسوایی مدعیان حقوق بشر در سراسر جهان شده و موجی از اعتراضات را علیه اشغالگری اسرائیل پدید آورده است. روزنامه‌نگار مدافع‌گرا، خود را در جایگاه مردم مظلوم فلسطین قرار داده و هر جا لازم بوده به جای او فریاد زده و حتی گریه کرده است تا بتواند صدای مظلومیت‌ها باشد.

دیگر روزنامه‌نگاران مقید به حرکت در چارچوب و اصول رسانه‌های غیردموکراتیک نیستند و مجبور به تولید اخبار متناسب با خواست صاحبان قدرت نیستند. این امر کمک می‌کند که واقعیت‌های موجود در عرصه تحولات مختلف فلسطین به خوبی به نمایش درآید و صدای مظلومیت فلسطین به گوش جهانیان برسد.

روزنامه‌نگار مدافعه‌گرا قادر است با بهره‌گیری از ظرفیت‌های رسانه‌های جدید، خواسته‌ها و آلام ملت تحت ستم و ظلم را روایت کند و نماینده مردمی باشد که به ناحق در سانسور خبری قرار گرفته‌اند. بدون شک رسانه‌های سنتی و حتی جدید وابسته به غرب و قدرت‌های اروپایی و آمریکا تلاش دارند با قلب واقعیت‌های موجود آنچه که خواست خودشان می‌باشد را به افکار عمومی دنیا ارائه و تحمیل نمایند. این مسأله به معنای ارایه خط خبری واحد و یکسان به افکار عمومی با روایتی

جانبدارانه و در جهت خواست صهیونیسم و مدافعان آن است. نمونه این اقدام در حادثه بیمارستان المعمدانی یا الاهلی در تاریخ ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳، در جریان طوفان الاقصی قابل مشاهده است. در این حادثه رسانه‌های غربی به جای محکوم کردن اقدام اسرائیل در خصوص حمله به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، سعی کردند این واقعه را خارج از مسئولیت اسرائیل معرفی کرده و انفجار موشک‌های جهاد اسلامی را عامل اصلی انفجار اعلام نمایند. اینجاست که نقش روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا خود را نمایان می‌کند. روزنامه‌نگار مدافعه‌گرا با تأکید بر واقعیت‌های موجود سعی می‌کند جنبه‌های مختلف موضوع را بررسی و در نهایت صدای مظلومان و افرادی باشد که کمتر مورد توجه واقع شده‌اند و یا صدایشان شنیده شده است. روشنگری‌های موجود در رسانه‌های مختلف مستقل با هدف محکوم کردن اقدامات اسرائیل در حمله به غزه و بیمارستان‌ها، اصلی‌ترین هدفی است که روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا به دنبال آن است. متأسفانه ضعف روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا و حمایت‌های دول غربی از اسرائیل، نه تنها مانع اسرائیل نشد بلکه مراکز درمانی دیگر غزه از جمله بیمارستان شفا و اندونزی و سایر مراکز درمانی این باریکه نیز مورد حملات مجدد و چند باره قرار گرفت.

حضور روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا می‌تواند افکار عمومی را نسبت به این مباحث حساس نماید. بدون شک بستر موجود در این مسیر بهره‌گیری از رسانه‌های جدید است که فارغ از برخی فرآیندهای سیاسی، توان انتقال واقعیت را به افکار عمومی دارند. این رسانه‌ها به دلیل عدم تأثیرپذیری جدی از سیاست‌های دولت‌ها و عدم توان برای مقابله جدی با آن‌ها در کنار تکثر و تعدد، می‌توانند ابزاری مؤثر و کارآمد برای تحقق روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا باشند. شکل (۲) نشان دهنده نقش رسانه‌های جدید در توسعه روزنامه‌نگاری مدافعه‌گراست. در این مسیر، رسانه‌های جدید و مستقل قادرند، روایت‌هایی از عرصه واقعیت با تأکید بر بیان بحران‌های انسانی و با رویکرد دفاع از حقوق افراد ستم‌دیده و آسیب‌دیده، و بدون تأثیرپذیری از سیاست‌های نامطلوب بین‌المللی و داخلی کشورها را به افکار عمومی ارائه دهند.



شکل-۲. نقش رسانه‌ها جدید در روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا (منبع: نگارنده)

در این مسیر رسانه‌های مبتنی بر فضای مجازی یا اینترنت، نظیر انواع شبکه‌های اجتماعی و وبسایت‌های خبری و مبتنی بر روزنامه‌نگاری شهروندی و عینی، توانسته است اخبار تحولات فلسطین و از جمله طوفان الاقصی را به مخاطبان بین‌المللی ارائه دهد. این فضای آزاد، ارابه اطلاعات و دسترسی سهل‌الوصول‌تر به این قبیل رسانه‌ها، سبب شده است واقعیت‌ها منطقه علی‌رغم سانسورهای شدید خبری از سوی رژیم اسرائیل، در مظان توجه افکار عمومی جهان واقع شود. نمونه این مسأله را در ارابه اطلاعات دقیق از حملات حزب‌الله لبنان به اسرائیل و با استفاده از ابزارهای ارتباطی جدید مشاهده کرد؛ در حالی است که رسانه‌های بین‌المللی همسو با رژیم صهیونیستی در تلاش‌اند اخبار تلفات و خسارت‌های وارده را کتمان و یا حداقل کم اثر جلوه دهند. این مقوله توصیف روشنی از نقش رسانه‌های نوین در بیان اخبار مربوط به تحولات فلسطین است که در کنار اعلام شهادت روزانه و به تصویر کشیدن سببیت اسرائیل، ارتباط تنگاتنگ روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا و ابزارهای جدید ارتباطی را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

فضای رسانه‌ای امروز جهان با ظهور رسانه‌های نوین، به سمت شنیده شدن صداهای متعدد پیش رفته و زمینه را برای بیان آلام و دردهای ملت مظلوم فلسطین در جای جای جهان، فراهم آورده است. اگرچه هنوز رسانه‌های قدرتمند جهان در تلاش‌اند واقعیت را آن‌گونه که خود دوست دارند تصویر کنند، اما تعدد رسانه‌های امروز توفیق بیشتری یافته و نشان داده است که افکار عمومی دیگر به سمت اخبار این رسانه‌ها گرایش ندارند و دروغ‌پردازی آنان را درک کرده‌اند. در این میان روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا با بهره‌گیری از توان رسانه‌های جدید و مستقل، زمینه لازم را برای بیان واقعیت‌های عرصه تحولات فلسطین و جنایات اسرائیل فراهم کرده و روزنامه‌نگاران فعال در این

عرصه به عنوان صدای مظلومیت مردم فلسطین ایفای نقش می‌نمایند. تجربیات موجود در عرصه این نوع روزنامه‌نگاری در جنگ‌های ویتنام، افغانستان، عراق و بهار عربی نشان می‌دهد که برای کارآمد کردن این نوع روزنامه‌نگاری نیاز به بهره‌گیری از توان رسانه‌های مستقل و جدید است که فارغ از تأثیر قدرت‌های مختلف و به‌ویژه سیاست‌های حمایتی غرب از اسرائیل، بتوانند صدای مظلومیت فلسطین باشند. خوشبختانه ظهور رسانه‌های مستقل پس از پیروزی انقلاب اسلامی در منطقه، این امکان را برای فلسطینیان فراهم کرده است که با کمک روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا، صدای خود را به گوش جهانیان برسانند. در این راستا، علی‌رغم جنایات گسترده اسرائیل در جریان طوفان الاقصی و حمایت مادی و معنوی غرب و کمک‌های متعدد رسانه‌ای، جریان مقاومت با فضا سازی گسترده، زمینه‌های حمایت بسیاری از ملت‌های جهان را جلب نمود و با محکومیت‌های گسترده بین‌المللی جایگاه اسرائیل بیش از گذشته تضعیف گردید. روزنامه‌نگاری مدافعه‌گرا در کنار رسانه‌های جدید، می‌تواند به شکل وسیعی تأثیرگذاری لازم در عرصه افکار عمومی را ایجاد نماید، همان‌گونه که تجربه تاریخی موجود حکایت از توفیق این سبک در حمایت از مظلومیت ملت‌ها دارد.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، مقاله پیش‌رو فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.

Translated References to English

- Alakkhouk, B., Gülnar, B. (2023). The Impact of Citizen Journalism in News Coverage of the Israeli. *South Asian Journal of Social Science and Humanities*, VOL 4 (4), 76-100.
- Alvares, C., Cardoso, G., Crespo, M., Pinto-Martinho, A. (2021). Seeking the Legitimation of Mainstream Journalism: A Portuguese Case-Study. *Journalism Practice*, 1–16.
- Bashir, Hassan (2018). Palestinian Discursive Diplomacy and New Media Capacities. *Palestinian Strategic Discourse Quarterly*, Vol.1, 54-77. [In Persian]
- Careless, S. (2000). Advocacy Journalism: Every news outlet has its bias. So, what is the difference between the alternative and the mainstream press? <http://www.theinterim.com/2000/may/10advocacy.html>
- Charles, M. (2013). News, Documentary and Advocacy Journalism. In K. Fowler-Watt & S. Allan (Eds.). *Journalism: New Challenges* (pp. 384–392). *Centre for Journalism and Communication Research: Bournemouth University*.
- Elmasry, M.H., El Shamy, A., Manning, P., Mills, A., J Auter, P. (2013). Al-Jazeera and Al-Arabiya framing of the Israel–Palestine conflict during war and calm periods. *the International Communication Gazette*, 75(8):750-768.
- Gelber, Y. (2006). *Palestine 1948*. Portland: Sussex Academic Press.

- Goodarzi, M. (2019). Advocacy journalism, conservative opposition to objectivism. *bi-quarterly journal of modern communication studies, pre-issue 1*, 60-77. [In Persain]
- Halsall, P. (1997). The Balfour Declaration, <https://www1.udel.edu/Histori-old/figal/Hist104/assets/pdf/readings/14balfour.pdf>
- Horoub, I. (2023). Understanding media empowerment: citizen journalism in Palestine. *Humanities and Social Science Communication*, Vol. 10 (32), 1-10.
- Islamic Republic News Agency (IRNA), (2023). How do Western media justify Israel's genocide in Gaza? <https://www.irna.ir/news/85265352> [In Persain]
- Khamenei, S.A. (2001). Statements at the meeting of participants in the international conference of the media of the Islamic world in support of the Palestinian Intifada, <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3103> [In Persain]
- Khamenei, S.A. (2011). Statements at the conference in support of the Palestinian Intifada, <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17401> [In Persain]
- Kressel, N. (1987). Biased judgment of media bias: A case study of the Arab-Israeli dispute. *Political Psychology*, 8(2): 212-213.
- McQuail, D. (2010). *McQuail's Mass Communication Theory*. Sage Publication.
- McQuail, D., Deuze, M. (2020). *McQuail's Media and Mass Communication Theory*. SAGE Publications Ltd.
- McTigue, G. (2011). *Media Bias in Covering the Israeli-Palestinian Conflict: With a Case Study of BBC Coverage and Its Foundation of Impartiality*. Syracuse University Honors Program Capstone Projects. 300.
- Monshipouri, M., Prompichai, T. (2018). Digital Activism in Perspective: Palestinian Resistance via social media. *International Studies Journal*, Vol. 14 (4), 37-57.
- Omowale, A., Oarulu, O.O. (2021). Influence of the new media on journalism practice, *Online Journal of Arts, Management and Social Sciences*, Vol.5 (2), 201 - 207.
- Ozohu-Suleiman, Y., Ishak, Md Sidin, A. (2012). Constructing Peace with Media: The Israeli-Palestinian Conflict in Global News Trends. *Malaysian Journal of Media Studies*, Vol. 14 (1), 47-65.
- Ozohu-Suleiman, Yakubu (2014). War journalism on Israel/Palestine: Does contra-flow really make a difference? *Media, War & Conflict journal*, Vol. 7(1) 85-103.
- Peretz, D. (1996). *The Arab-Israeli dispute*. New York: Facts on File, Inc.
- Raz, H. (2008). Comparative media system: Haaretz, Aljazeera and CNN coverage of Israel Palestinian conflict. <http://islammediaandthewest.blogspot.com/2008/12/comparativemedia-systems-media.html>.
- Sarwar, H., Tanveer Malhi, A., Naz, I. (2023). Representation of Israel and Palestine Issue in International Media: An Analysis of BBC and Al-Jazeera coverage in 2022. *Annals of Human and Social Sciences Journal*, Vol. 4(3), 375-381.
- Shaw, I.S. (2012). *Human Rights Journalism Advances in Reporting Distant Humanitarian Interventions*. Basingstoke: Palgrave MacMillan.
- Varaei, S.J., varaei, S.A. (2019). Kashif al-Ghita' and the Subject of Palestine Aspects and Resolutions. *Transcendent Policy*, 7(27), 245-266. [In Persain]
- Williams Fayne, M. (2021). Advocacy journalism in the 21st century: Rethinking entertainment in digital Black press outlets. *Journalism*. doi:10.1177/14648849211023166
- Wahl-Jorgensen, K., Thomas, H. (eds.) (2009). *Handbook of Journalism Studies*. New York: Routledge.
- Wolfsfeld, G., Alimi, E., Kailani, W. (2008) News media and peace building in asymmetrical conflicts. *The flow of news between Jordan and Israel. Political Studies*, 56(2), 374-398.

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

- Yilmaz, H., Erbay, M., Yilmaz, Y.G. (2018). New Journalism in Mew Media. *A Journal of Advances in Management IT & Social Sciences*, Vol. 8 (2), 1-14.
- Zachary, S., Sapienza, Narayanan, I., Aaron S. V. (2015) Reading Lasswell's Model of Communication Backward: Three Scholarly Misconceptions. *Mass Communication and Society*, 18(5), 599-622.

